

ردپای هویت بلوچ در زنگبار

دکتر امیر بهرام عرب احمدی، استادیار دانشگاه تهران

چکیده

یکی از خصوصیات بارز جامعه ایرانی از گذشته‌های دور تاکنون که دستاوردهای باشکوهی در عرصه توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی خارج از مرزها در مقاطع مختلف تاریخی به دنبال داشته است، مهاجرت قبایل ایرانی به سرزمین‌های دور و نزدیک جهان است. مهاجرت ایرانیان بلوچ به زنگبار و نقش محوری این جزیره در استقرار بلوچ‌ها در بخش‌هایی از کشورهای امروزی تانزانیا، کنیا و اوگاندا به همراه مناسبات دوستانه آن‌ها با بومیان مسلمان این کشورها، یکی از این نمونه‌هاست که نتایج مهمی را نیز به دنبال داشته است. در این مقاله با پرداختن به دلایل مهاجرت و نحوه مهاجرت و مهاجرت بلوچ‌های ایرانی از بلوچستان ایران و عمان به زنگبار، وضعیت عمومی بلوچ‌ها در این جزیره از حدود ۳۵۰ سال پیش تاکنون و نقش آفرینی آنها در انتشار جلوه‌هایی از فرهنگ و تمدن ایرانی در زنگبار بررسی شده است.

سؤال اصلی پژوهش عوامل اصلی مهاجرت و نحوه اقامت بلوچ‌های ایرانی در زنگبار و فرضیه اصلی نیز چگونگی ارتباط مردمان بلوچ با بومیان زنگبار و مقبولیت عمومی آنان است. چارچوب مقاله بر مبنای نقش مؤثر مهاجران ایرانی در توسعه فرهنگ و تمدن ایران است و نتایج سیاسی- فرهنگی حاصل از استقرار بلوچ‌ها در زنگبار متغیرهای پژوهش قلمداد می‌شوند. در این مقاله با بهره‌گیری از روش تحلیل و توصیف تلاش شده است عوامل اصلی کنشگر بر فرایند مهاجرت و سکونت ایرانیان بلوچ در زنگبار بررسی شوند.

واژگان کلیدی: بلوچ، بلوچستان، ایران، زنگبار، هویت ملی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۲۸

E-mail: arabahmadi@ut.ac.ir

مقدمه

ایرانیان از دیرباز و از دورترین اعصار آغازگر مهاجرت به مناطق مختلف جهان بوده‌اند. مروری ولو شتابزده در تاریخ این سرزمین از گذشته‌های دور تاکنون نیز ضمن اثبات این امر، ردپایی از عناصر هویت‌ساز ایرانی در بخش‌های مختلف جهان را آشکار می‌کند. در حقیقت بر مبنای این تعریف که «مهاجرت حرکت انسان‌ها از یک نقطه به نقطه دیگر، در فاصله زمانی خاص با قصد و انگیزه بهبود خواهی در نظر گرفته شده است» (Lahsaezadeh, 2001: 54-55). این‌گونه مهاجرت‌های هدفمند رامی‌توان نمادی از پویایی هویت ملی ایرانیان در طول تاریخ این سرزمین کهن دانست. این در حالی است که مؤلفه‌هایی همچون تفاوت‌های زبانی و قومیتی و دینی نیز هیچ‌گاه نتوانسته است خللی در انسجام و همبستگی ملی مردمان ایران در داخل و خارج از مرزهای آن فراهم آورد و ایرانی بودن همواره به منزله تبلوری از عشق و افتخار و عامل اصلی تعلق ابدی به سرزمین کهن مادری در نظر گرفته شده است.^۱ یکی از این مهاجرت‌های مهم تاریخی که کمتر بدان پرداخته شده، مهاجرت و استقرار دائمی دسته‌هایی از بلوچ‌های ایرانی از منطقه بلوچستان به شرق آفریقا با مرکزیت اولیه مجمع الجزایر زنگبار^۲ طی چهار سده گذشته است که بنوبه خود موجبات توسعه تمدن و فرهنگ ایران زمین در بخش‌هایی از شرق آفریقا را فراهم آورده است. اقلیت نسبتاً بزرگ و منسجم بلوچ‌های ایرانی تبار شرق آفریقا که ابتدا در زنگبار تجمع یافته و سپس به دیگر مناطق شرق آفریقا راه یافتند^۳ هرچند در ابتدا به‌عنوان سرباز و جنگاور در خدمت سلاطین عمانی حاکم بر زنگبار قرار گرفتند، ولی بعدها جذب مشاغل تجاری و اقتصادی شدند که این وضعیت تاکنون ادامه یافته است. در حال حاضر بلوچ‌ها از سطح درآمد خوبی در مقایسه با عموم سیاهان برخوردارند و با وجود مدت طولانی اقامت در این منطقه هنوز خصوصیات قومی و نژادی خود را حفظ کرده‌اند. در این مقاله نحوه ورود و استقرار گروه‌هایی از بلوچ‌های ایرانی به مجمع‌الجزایر زنگبار از اواسط قرن هفدهم تا نیمه‌های قرن نوزدهم میلادی - از طریق مسیر دریایی خلیج فارس و اقیانوس هند - و نقش آفرینی آنها در معرفی جلوه‌هایی از فرهنگ و تمدن عمیق ایرانی به بومیان در قالب مسئله اصلیو شکل‌گیری نتایج سیاسی و فرهنگی حاصل از استقرار بلوچ‌های ایرانی در زنگبار به‌عنوان متغیرهای مستقل‌ترسیم شده‌اند. هدف این مقاله معرفی نقش ارزنده ایرانیان در ارتقای سطح تمدن و فرهنگ بومیان منطقه شرق آفریقا و بازسازی و

هویت بخشی گوشه‌ای از تاریخ فرامرزی ایران است که تا حدود زیادی مورد غفلت قرار گرفته است. در عین حال، این که چرا بلوچ‌های ایرانی این منطقه را به عنوان محل استقرار اولیه خود برگزیده‌اند، سؤال اصلی این پژوهش است. تلاش برای اثبات آن که بلوچ‌های ایرانی از زمان استقرار در مجمع‌الجزایر زنگبار تاکنون از مقبولیت عمومی در بین مسلمانان این کشورها برخوردار بوده‌اند نیز فرضیه اصلی را تشکیل می‌دهد. در ارتباط با پیشینه این بحث شایان ذکر است که علی‌رغم اهمیت مهاجرت بلوچ‌های ایرانی به مجمع‌الجزایر زنگبار، به این موضوع تاکنون در محافل علمی داخل کشور توجه نشده است و در سطح بین‌المللی نیز صرفاً چند مقاله کوتاه درباره این اقلیت ایرانی به رشته تحریر درآمده است. دست‌مایه قرار گرفتن این موضوع در قالب مقاله‌ای مستقل و جمع‌آوری و انسجام اطلاعات پراکنده موجود نیز پارادایم نوآورانه این مقاله محسوب می‌شود. چارچوب نظری این پژوهش عمدتاً مبتنی بر نظریه مهاجرت دکتر لهسای زاده است که می‌گوید عوامل زمانی، مکانی و انگیزشی در بروز پدیده مهاجرت نقش اساسی دارند. براساس این نظریه مهاجرت‌های بین‌المللی معمولاً برآیند وقوع حوادث مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در کشور مبدأ بوده و منتج به نتایج مثبتی در کشور مقصد می‌شوند که تبادل فرهنگی بین اقوام مختلف و استیلای فرهنگی قوم مهاجر بر ساکنان بومی یکی از دستاوردهای مهم این مهاجرت‌هاست (Lahsaezadeh, 2001: 54-55). روش تحقیق کتابخانه‌ای مبتنی بر منطق توصیف و تحلیل است. به موازات آن پژوهشگر برخی از اطلاعات ارائه شده را از طریق مشاهدات میدانی و حضور در جمهوری خودمختار زنگبار فراهم آورده است.

مهاجرت و استقرار تدریجی بلوچ‌های ایرانی در زنگبار

مناسبات تاریخی بلوچ‌های ایرانی با بومیان زنگبار یکی از فرازهای روابط تاریخی ایران و مجمع‌الجزایر زنگبار به‌شمار می‌رود. این بلوچ‌های ایرانی تبارکه در حال حاضر یکی از اقلیت‌های کوچک مجمع‌الجزایر زنگبار را تشکیل می‌دهند طی چند سده گذشته -عمدتاً در دوره قاجاریه- از شهرهای مختلف ایالت سیستان و بلوچستان به تدریج رهسپار سواحل شرق آفریقا شده و در بخش‌هایی از تانزانیا، از جمله زنگبار استقرار یافته‌اند. پیشینه حضور بلوچ‌های ایرانی در زنگبار و دیگر مناطق شرق آفریقا به آغاز حاکمیت اعراب عمانی بر بخش‌هایی از سواحل و شرق آفریقا در اواخر قرن هفدهم بازمی‌گردد.^۴ براساس اطلاعات و شواهد موجود در دوره حاکمیت پرتغالی‌ها

بر سواحل و جزایر شرق آفریقا تعداد اندکی از بلوچ‌ها که در رأس آنها «جامه‌دار امیر شهداد کوتا»، از سرداران بزرگ بلوچ، قرار داشت در سال ۱۶۶۴ میلادی، در دوره حاکمیت شاه عباس دوم صفوی، به همراه سلاطین عمانی و برای آزادسازی این مناطق از چنگال حاکمیت پرتغالی‌ها وارد سواحل و جزایر شرق آفریقا، عمدتاً جزیره زنگبار و شهر مومباسا شدند (Salvadori, 1998: 187). گروه دیگری از بلوچ‌های ایرانی نیز در سال ۱۶۸۸ وارد زنگبار شده و با هدف حمله به پرتغالی‌ها به کار گرفته شدند (Hedlius:2016) و در سلک نگهبانان و محافظان خاص در خدمت سلاطین سلسله یعربی عمان جای گرفتند (Nicolini, 2004: 7) در آن دوره بلوچ‌ها به جنگاوری و شجاعت شهرت داشتند و حکام عمانی در جنگ با پرتغالی‌ها و بیرون راندن آنان از شرق آفریقا از بلوچ‌های ایرانی سود جستند که در قالب محافظان و نگهبانان شخصی به استخدام خود درآورده بودند (زکریا قاسم، ۱۹۷۴: ۸۵). این امر عمدتاً ناشی از آن بود که بلوچ‌ها مشخصاً سرباز بودند و می‌دانستند چطور باید از اسلحه‌ها و توپ‌های بزرگ استفاده کرد و به نوعی متخصص نگهداری و حفاظت از مهمات به شمار می‌رفتند (گفت‌وگو با پروفیسور عبدالشریف، ۱۳۸۷). وفاداری کامل بلوچ‌های ایرانی به پادشاهان عمانی در هنگام حضور در عمان بدون تأثیرپذیری از هرج و مرج موجود، از دیگر دلایل جای گرفتن آنها در کسوت نگهبانان ویژه و محافظان سلاطین عمانی در عمان و سپس زنگبار بود (Bint Battuta, 2016). در دهه‌های مختلف قرن هجدهم نیز دسته‌های دیگری از بلوچ‌ها تحت عنوان سربازان جنگی از عمان به زنگبار منتقل شده و در جزایر شرق آفریقا استقرار یافتند (عرب احمدی، ۱۳۸۴: ۴۵۰) و با شجاعت و جنگاوری خود نظر مساعد سلاطین و شاهزادگان عمانی را عمیقاً به خود جلب کردند. این درحالی بود که سلاطین عمانی به قبایل عرب ساکن شرق آفریقا اعتماد چندانی نداشتند و بلوچ‌های جنگاور و مورد اعتماد را به عنوان نیرویی جدید و نگهبانان خاص خود بر اعرابی که ده‌ها سال قبل به شرق آفریقا مهاجرت کرده بودند، ترجیح می‌دادند. از این رو بسیاری از این سربازان بلوچی که از نظر وفاداری سخت مورد اعتماد سلاطین عمانی حاکم بر زنگبار و بخش‌هایی از مناطق ساحلی بودند در جزیره زنگبار و همچنین سواحل جنوبی کنیا (عمدتاً مومباسا) استقرار یافتند. پس از انتقال مرکز پادشاهی عمان به زنگبار در سال ۱۸۳۰ م، به دستور سلطان سیدسعید، حاکم وقت، عده دیگری از بلوچ‌ها به جزیره زنگبار انتقال یافتند که وظیفه تعدادی از آنها (در قالب سواره نظام و پیاده نظام) صرفاً محافظت از شخص سلطان بود ۱۰ و (Encyclopedia of Islam, V, 2000: 887) و صدها تن از بلوچ‌ها نیز مستقیماً در لشکر

سلطان سعید حضور داشتند (Gregory, 1971:33). اکثر سواره نظام بلوچ در آن دوره در مدرسه کنونی هایلا سلاسی زنگبار مستقر بودند (bint Battuta:2016) و در صورت بروز کوچک‌ترین خطری به سرعت وارد عمل می‌شدند.^۵ سلطان سعید همچنین به منظور حفظ نظم و قانون و ممانعت از حملات مداوم قبایل جنگجوی عرب به یکدیگر در برخی از سواحل و جزایر شرق آفریقا، گروه دیگری از بلوچ‌ها را از بلوچستان به استخدام خود درآورد (Collins, 1995:212). گروه‌های دیگری از بلوچ‌ها نیز در اواسط قرن نوزدهم. به‌عنوان محافظ سلاطین زنگبار رهسپار شرق آفریقا شدند (Colin, peach, vertovec, 1990:154) و تا سال ۱۸۹۵ که زنگبار در حمایت انگلستان قرار گرفت، عهده‌دار اسکورت کاروان‌های اعزامی به مناطق داخلی تانگانیکا و حفاظت از پادگان‌ها بودند (Salvadori, 1998:187). بلوچ‌ها در آن عهد بیشتر وظیفه محافظت از برخی مکان‌های خاص نظیر «اردوگاه ساعتینی» در حومه زنگبار را برعهده داشتند که از مراکز مهم نظامی و پادگان‌های عمانی‌ها محسوب می‌شدند. آنان در این مدت شورش قبیله مزروعی علیه سلطنت بوسعیدی را نیز فرونشاندند (زکریاقاسم، ۱۹۷۴: ۸۵).

در طول این دوره و تا پیش از ورود انگلیسی‌ها به منطقه، بلوچ‌ها رفته‌رفته در سواحل و جزایر شرق آفریقا سکونت یافته و به دلیل شجاعت و جنگجویی خود همواره مورد اعتماد کامل سلاطین عمانی بودند (Valeri, 2009:21-22). علاوه بر آن بلوچ‌ها از احترام عمیقی نزد سلاطین عمانی و حکام محلی آنها برخوردار بودند و در زنگبار مسجدی برای آنها احداث شد. بلوچ‌ها در دهه‌های ۱۸۷۰ و ۱۸۸۰ میلادی از سوی سلاطین عمانی عهده‌دار مأموریت‌های مختلفی شدند و نقش مهمی در توسعه مناسبات تجاری و سیاسی عمانی‌ها با مناطق داخلی تانگانیکا ایفا کردند. برخی از بلوچ‌ها نیز با هدف گسترش روابط بازرگانی اعراب عمانی حاکم بر زنگبار رهسپار سرزمین‌های داخلی تانگانیکا شامل تابورا در مرکز تانگانیکای آن عهد و کیگوما در حاشیه دریاچه تانگانیکا شدند. (Nicolini & Watson, 2004: 40)

پس از ورود انگلیسی‌ها به شرق آفریقا در اواخر قرن نوزدهم که موجب خلعید کامل عمانی‌های حاکم بر جزایر و سواحل شرق آفریقا شد، بلوچ‌های ساکن شرق آفریقا (از جمله بلوچ‌های مقیم زنگبار) که تا آن زمان وظیفه عمده آنها حفاظت از سلاطین عمانی بود جذب مشاغل دیگری شده و برخی از آنها به تجارت روی آوردند.^۶ گروهی از این بلوچ‌ها نیز از طریق کاروان‌های تجاری رهسپار مناطق داخلی تانگانیکا و اوگاندا شدند و به تدریج در بخش‌هایی از مناطق داخلی تانزانیا، اوگاندا، کنیا و کنگوی دمکراتیک استقرار یافته و با زنان بومی این مناطق

ازدواج کردند^۷. برخی از آنها هم در زنگبار به فروشنده‌گی در مغازه‌ها روی آوردند. تعدادی از بلوچ‌ها نیز به استخدام پلیس محلی زنگبار درآمده و حتی به درجات بالایی در ادارات پلیس زنگبار (اونگوجا و پمبا) نائل شدند^۸. بلوچ‌ها در جنگ جهانی اول در زمره‌سربازان شجاع امپراطوری انگلستان بودند (Dolbey, 2004:10)؛ با این حال تعداد بسیار اندکی از آنان پس از پایان جنگ به سرزمین مادری خود ایران بازگشتند و اکثر آنان بازگشت به زنگبار و دیگر مناطق شرق آفریقا را ترجیح داده و در زمره‌یکی از اقلیت‌های مسلمان غیربومی جای گرفتند. بعدها و پس از جنگ جهانی دوم تعداد دیگری از بلوچ‌های ایرانی از شهرهای نیک‌شهر و قصرقند، سرباز، لور، دابکار و چاه‌بهار رهسپار زنگبار و دیگر مناطق شرق آفریقا شدند (گفت‌وگو با محمد مجیب، ۱۳۸۷).

فرایند استقرار بلوچ‌ها در شرق آفریقا تا اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی و تا آغاز ناآرامی سیاسی در شرق آفریقا که منجر به انقلاب زنگبار در سال ۱۹۶۴ شد ادامه یافت^۹. با این حال در جریان تحولات سیاسی موسوم به انقلاب زنگبار و تلاش انقلابیون زنگباری برای توقیف اموال و دارایی‌های هزاران نفر از مهاجران آسیایی که اجدادشان از یک نسل قبل از اقیانوس هند به این سرزمین آمده بودند، تعداد زیادی از بلوچ‌های مقیم زنگبار نیز به همراه هندی‌ها این جزیره را به مقصد اروپا، آمریکای شمالی، خاورمیانه، پاکستان، ایران و هند ترک کردند.

دلایل مهاجرت به شرق آفریقا

اقوام بلوچ از روزگار پیشینه‌سبب روحیه سخت‌کوش، مقاوم و مبارزه‌دائمی با ناملایمات طبیعی از شهرت والایی در ایران برخوردار بوده و رمز بقای آنها نیز تا حدود زیادی ناشی از همین روحیه خستگی‌ناپذیر و پایدار است. یکی از عوامل مهم مهاجرت بلوچ‌های ایرانی به مناطق مختلف جهان از دیرباز تاکنون نیز عمدتاً خشکی اقلیم سیستان و بلوچستان و عدم امکان کشاورزی در این منطقه^{۱۰} بوده است (South Asia Bulletin, 2007:125). این امر که از دلایل اصلی مهاجرت گروه‌هایی از بلوچ‌های ایرانی به هند، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، ترکمنستان، کنیا، تانگانیکا و زنگبار^{۱۱} و به‌ویژه عمان در ادوار مختلف تاریخی در نظر گرفته شده است. در کنار بروز قحطی و خشکسالی در منطقه بلوچستان (سپاهی، ۱۳۸۵: ۲۳۲)، شرایط اقلیم بیابانی و خشک و نیمه‌خشک، کاهش نزولات آسمانی، کمبود منابع آبی، وزش

بادهای شدید و از بین رفتن تدریجی دامها و طیور قبایل بلوچ روند مهاجرت بلوچها به دیگر مناطق جهان، از جمله زنگبار را در مقاطع مختلف تاریخی شدت بخشیده است.

ظلم و ستم حکمرانان محلی بر مردمان بلوچ در عهد سلطنت پادشاهان قاجار به ویژه در دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه (واتسن، ۱۳۵۴: ۳۱۱) نیز از دیگر عواملی بود که در مجموع موجب مهاجرت برخی از قبایل بلوچ به عمان و سپس شرق آفریقا (و زنگبار) شد. جدا از آن درگیریهای سران قبایل بلوچ با دولت‌های وقت در ادوار مختلف تاریخ از دیگر دلایل مهاجرت برخی از بلوچها به دیگر مناطق جهان بود (http://everything.explained.today/Baloch people). در واقع می‌توان گفت بلوچها به دلیل تحمل شرایط سخت، مهارت در استفاده از اسلحه، سازگار بودن با محیط و تغییرات جویو به ویژه فقر و بدبختی فراوان ناشی از شرایط زیست محیطی طی سده‌های گذشته از ایران رهسپار عمان^{۱۲} شده و در کسوت سرباز، ملوان و محافظ به استخدام عمانی‌ها درآمدند (Nicolini, 2006: 353). مهاجرت بلوچهای ایرانی به شرق آفریقا نیز بیشتر با هدف کسب درآمد مناسب و بهره‌گیری از توان جنگاورانه آنان توسط سلاطین سلسله‌های عمانی صورت گرفت (http://www.iranicaonline.org /Baluchistan/2010).

علاوه بر آن در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی ایران و ناامنی نسبی استان سیستان و بلوچستان، گروه‌های دیگری از طوایف بلوچ که در تیررس حملات گروه‌های یاعی و شبکه‌های جنایتکار مواد مخدر بودند، از شهرهای مختلف این منطقه به زنگبار و دیگر مناطق شرق آفریقا مهاجرت کردند^{۱۳}. در عین حال و جدا از این امر، پیشینه تاریخی حضور برخی از خویشاوندان آنان که در زنگبار و دیگر مناطق ساحلی شرق آفریقا زندگی می‌کردند نیز از دیگر عواملی بود که در دهه ۱۳۶۰ ش. زمینه‌های مهاجرت گروه‌های پراکنده‌ای از بلوچها را از شهرهای مختلف بلوچستان^{۱۴} به مناطق ساحلی شرق آفریقا- و همچنین زنگبار- فراهم آورد (عرب احمدی: ۱۳۹۱).

شاخصه‌های فرهنگی بلوچ‌های مقیم زنگبار

جامعه بلوچ بخشی از هویت ایرانی و یکی از سنتی‌ترین جوامع کشور ایران است که از نظر داشتن آداب و رسوم و شاخصه‌های سنتی خاص خود از دیرباز از جایگاه والایی در سرزمین ایران بزرگ برخوردار بوده است. موسیقی، صنایع دستی، سفال‌گری و سرامیک‌سازی، سکه‌دوزی، خامه‌دوزی، سوزن‌دوزی، گلیم‌بافی، غذاهای سنتی، پوشاک و برخی مراسم و مناسک آئینی از

مهم‌ترین این سنت‌ها به‌شمار می‌روند که در طول قرون متمادی سینه‌به‌سینه و نسل‌به‌نسل منتقل شده‌اند. به موازات آن مهمان‌نوازی، ظلم‌ستیزی، سخت‌کوشی، شجاعت و آزاده‌خواهی از دیگر خصائل اخلاقی این قوم است که با خود به کشورهای مختلف از جمله زنگبار به یادگار برده‌اند. در راستای این تلاش بلوچ‌های مهاجر به زنگبار طی چند قرن حضور خود در این سرزمین همواره در تلاش بوده‌اند که از فرهنگ و سنت‌های اصیل و ماندگار خود صیانت کرده، باورها و ارزش‌های قوم بلوچ را در بین اقلیت کوچک خویش جاری ساخته و نسل آینده را با خصوصیات خاص اقوام بلوچ آشنا کنند. یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های فرهنگی بلوچ‌های زنگبار ارج‌نهادن بر زبان بلوچی به‌عنوان نماد اصلی فرهنگ این قوم است و در راستای حفظ سنت‌ها و آداب و رسوم کهن و اصیل خود، تکلم به زبان بلوچی در منازل و اجتماعات داخلی را مهم و به‌عنوان یکی از عوامل مهم همبستگی در نظر می‌گیرند (مطالعات میدانی نویسنده، ۱۳۹۳).

بلوچ‌های ایرانی مقیم زنگبار در حفظ اصالت خون و نژاد خویش نیز همواره دقت وافر داشته و آن را به‌عنوان بخش مهمی از فرهنگ بلوچی در نظر می‌گیرند. البته برخی از گروه‌های نخستین بلوچ‌های ایرانی که در قرون هفدهم و هجدهم میلادی از عمان و در معیت سلاطین عمانی در زنگبار استقرار یافتند، به‌دلیل آن‌که عمدتاً سرداران و سربازانی مجرد بودند، با بومیان مسلمان موسوم به سواحیلی‌ها ازدواج کردند و به‌تدریج در فرهنگ و جامعه آنان مستحیل شدند. با این حال دیگر گروه‌های بلوچ که بعدها به‌صورت مستقیم از ایران رهسپار زنگبار شدند، خانواده‌های خود را نیز به‌همراه بردند و توانستند از طریق ازدواج‌های درون‌گروهی اصالت قومی خویش را به‌طور کامل و دست‌نخورده حفظ کنند (Bint Battuta:2016). موج‌های دوم و سوم بلوچ‌های مقیم زنگبار از اوایل قرن نوزدهم تاکنون همچنان بر ازدواج‌های درون‌گروهی با دیگر بلوچ‌های مقیم شرق آفریقا یا بلوچ‌های ساکن ایران تأکید می‌ورزند. مراسم و مناسبت‌های آنها به‌ویژه عروسی و مراسم دینی نظیر اعیاد قربان و فطر نیز کاملاً به سبک و سیاق بلوچستان ایران انجام می‌شود و بانوان بلوچی بر رعایت تشریفات عروسی و دیگر جشن‌های خود کاملاً مشابه ایران تأکید دارند (Noor Mohamed, 2011).

جامعه بلوچ‌های ایرانی تبار زنگبار همواره بر ایرانی‌بودن خود افتخار می‌کنند و همچنان که اسامی بلوچی (رایج در بلوچستان) بر فرزندان خود می‌نهند^{۱۵}، از مطالعه فرهنگ، هویت و تاریخ خود به‌عنوان عنصری ایرانی غفلت نمی‌ورزند. علاوه بر آن به‌دلیل ایرانی تبار بودن و علاقه به فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی، به موازات به‌کارگیری زبان‌های سواحیلی و بلوچی در زندگی

روزمره خویش، از زبان فارسی نیز به‌عنوان بخش مهمی از هویت ملی خود غفلت نکرده‌اند. از این‌رو هرچند طی چند دهه گذشته بسیاری از بلوچ‌های ایرانی تبار، این مجمع‌الجزایر را به‌سوی دیگر مناطق ترک گفته‌اند، ولی معدود خانواده‌های بلوچ مقیم زنگبار با وجود اقامت طولانی در این سرزمین همچنان تسلط خود بر زبان فارسی را حفظ و آن را به فرزندان خود نیز انتقال داده‌اند (عرب احمدی، ۱۳۹۱: ۵۱). بلوچ‌های ایرانی ساکن زنگبار در پوشش ظاهری خود نیز، به‌عنوان بخشی از فرهنگ بزرگ بلوچ، دقت‌نظر داشته و مردان علاوه بر تأکید در برتن کردن لباس‌های سنتی بلوچی در منزل، عموماً در هنگام حضور در مسجد بلوچ‌ها در زنگبار نیز با هیئت بلوچی، دربرگیرنده دستار سفید، پیراهن یقه‌باز، لباده بلند (و گاه خنجری کوتاه و تزئینی که بر شال کمر خود می‌نهند) ظاهر می‌شوند (Baloch communities in east Africa:2016) پوشش زنان نیز پیراهن‌های بلند با یقه‌باز است که آن را با دستار بزرگی می‌پوشانند. آنان این لباس‌های سنتی را که سوزن‌دوزی، خامه و سرمه‌دوزی‌های سنتی به‌کاررفته در آنها جلوه و زیبایی خاصی به آنها می‌بخشد، بخشی ناگسسته از پیوندهای عمیق با سرزمین مادری خویش در نظر گرفته و معمولاً در عروسی‌ها، جشن‌ها و مراسم سنتی برتن می‌کنند (مطالعات میدانی نویسنده، زنگبار، اسفند ۱۳۹۴).

اشاره شد که بلوچ‌های ایرانی ساکن مجمع‌الجزایر زنگبار همچون دیگر اقلیت‌های آسیایی مقیم این جزیره، معمولاً زنان خود را از بلوچ‌های مقیم شرق آفریقا یا ایران انتخاب می‌کنند؛ با این حال به‌دلیل مناسبات دوستانه خود با بومیان این کشورها و بهره‌مندی از شاخصه‌هایی همچون پیروی از مذهب اهل سنت، تسلط کامل به زبان سواحیلی و رغبت در ارتباط با بومیان مسلمان، از دیدگاه فرهنگی و اجتماعی نیز مورد پذیرش سیاهان زنگبار قرار گرفته‌اند (Cohen, 75) [ناقص است] و برخلاف هندی‌ها از روابط و مناسبات خوبی با بومیان برخوردارند. بدین‌سان بلوچ‌ها نه‌تنها در مجالس و محافل مسلمانان بومی حضور می‌یابند، بلکه به‌دلیل روحیه صمیمی و بدور از هرگونه تبعیض نژادی خود همچون بخشی از جامعه سنتی زنگبار پذیرفته شده و مورد علاقه و اعتماد مردمان زنگبارند.

بلوچ‌های ایرانی مقیم زنگبار از نظر دینی به مذهب حنفی متعلق‌اند و در انجام امور دینی خود تعصب و دقت خاصی دارند؛ از این‌رو معمولاً مراسم دینی خود را در مسجد بلوچ‌ها واقع در منطقه تاریخی موسوم به «شهر سنگی زنگبار»^{۱۶} برپا می‌کنند.

شایان ذکر است علی‌رغم تلاش فراوان بلوچ‌های ایرانی تبار ساکن زنگبار (و دیگر مناطق شرق آفریقا) در حفظ و صیانت از فرهنگ و آداب و رسوم خود، آنان تحت تأثیر محیط زندگی خویش، طی سه قرن گذشته تاحدودی از برخی سنت‌های دیرینه و اصیل قوم بلوچ فاصله گرفته و به همان میزان به سنت‌های مردمان شرق آفریقا (موسوم به سواحیلی‌ها) متمایل شده‌اند (Nicolini, 2012:4).

تأثیر و تأثرات فرهنگی متقابل بلوچ‌ها و بومیان زنگبار

بلوچ‌های ایرانی تبار طی چند قرن حضور در زنگبار (و دیگر مناطق شرق آفریقا) تأثیرات فرهنگی درخوری برجای نهاده و در سایه روابط خوب و صمیمانه خود با بومیان برخی از آداب و رسوم و سنت‌های ایران زمین را به آنها عرضه کرده‌اند. یکی از این شاخصه‌ها نقش غیرمستقیم آنان در ورود برخی از واژه‌های زبان فارسی به زبان سواحیلی است که امروزه جزو لغات اصلی زبان سواحیلی استفاده می‌شود. برخی محققان معتقدند بلوچ‌ها در زمینه ورود ده‌ها لغت فارسیبه زبان سواحیلی نقش مستقیمی داشته‌اند و بلوچ‌های ایرانی تبار بعضی از واژه‌های فارسی موجود در سواحیلی را به‌طور مستقیم وارد این زبان کرده‌اند (Lodhi, 2000:238. «شالی» (shaw)، «چرخ خیاطی (پدال‌دار پایی)» (cherehani) و «کارخانه (کارگاه)» (karkhana/karakana) نمونه‌هایی از واژه‌های فارسی است که بلوچ‌ها به‌صورت مستقیم وارد زبان سواحیلی کرده‌اند.^{۱۷}) (Csató, Isaksson, Jahani, 2005: 356) علاوه بر آن با توجه به آن که نخستین گروه‌های مهاجر بلوچ سربازانی جنگاور و متخصص در نگهداری و حفاظت از جنگ‌افزارها به‌شمار می‌رفتند، در آن دوره برخی از لغت‌های مرتبط با تفنگ و باروت نظیر «بندوق» و «باروت» از زبان بلوچی وارد زبان سواحیلی شد (گفت‌وگوبا پروفیسور عبدالشریف، ۱۳۸۷). به موازات آن بلوچ‌ها در رواج نسبی زبان فارسی در سواحل و جزایر شرق آفریقا نیز تاحدودی نقش آفرین بوده‌اند.^{۱۸} بلوچ‌ها نقش چشمگیری نیز در استحکام ساختار زبان سواحیلی ایفا کرده‌اند و برخی از دانشمندان بلوچ تأثیرات عمیقی بر دستور زبان سواحیلی برجای نهاده و علاوه بر تألیف برخی مقالات و کتب درسی دوره ابتدایی به زبان سواحیلی، در تدوین دستور زبان سواحیلی نقش داشتند (2013 Baloch communities in east Africa). بلوچ‌ها در زمینه معرفی موسیقی سنتی بلوچی و برخی سنت‌های قومی خویش به بومیان شرق آفریقا نیز تا اندازه‌ای تأثیرگذار بوده‌اند.

درعین حال بلوچ‌ها به نوبه خود تاحدی تحت تأثیر فرهنگ و سنت‌های بومیان قرار گرفته و در گذر زمان و به طور غیرمستقیم زمینه‌های انتقال بخش‌هایی از شاخصه‌های فرهنگ سواحیلی به مناطق جنوبی ایران به‌ویژه سیستان و بلوچستان را نیز فراهم آورده‌اند؛ به گونه‌ای که شعر و موسیقی محلی شرق آفریقا طی یک سده اخیر تأثیرات کم‌رنگی بر اشعار و موسیقی‌های محلی بلوچستان برجای نهاده است. گواتی از جمله موسیقی‌های دکلمه‌گونه قدیمی بلوچی است که در آن لغاتی سواحیلی وجود دارد در قالب موسیقی درمانی دیار بلوچستان برای شفای بیمارانی که از ناراحتی‌های روحی رنج می‌برند، به کار می‌رود. گفته شده است این موسیقی محلی که در واقع مخلوطی از لغات و واژه‌های بلوچی، فارسی و سواحیلی است، توسط مهاجران بلوچی که سال‌ها در شرق آفریقا زندگی کرده‌اند، به فرهنگ بلوچی راه یافته است (عرب‌احمدی، ۱۳۹۱). سنت «زار» یا دور کردن شیاطین و ارواح از زندگی انسان‌ها که در بلوچستان ایران بسیار رایج است^{۱۹}، نیز از شرق آفریقا در بین مردمان قبایل بلوچ ساکن بلوچستان ایران راه یافته است و هرچند پیشینه سنت «زار» بیشتر به انتقال آفریقایی‌ها به ایران در قرون هجدهم و نوزدهم میلادی باز می‌گردد، ولی بی‌شک برخی از بلوچ‌های ایرانی ساکن زنگبار (و دیگر مناطق ساحلی شرق آفریقا) نیز در راه یافتن آن به سواحل جنوبی ایران به‌ویژه بلوچستان دخالت داشته‌اند (دورینگ، ۱۳۸۸: ۳۷). افزون بر آن رقص عارفانه با حالت خلسه و ارتباط با ارواح و نقش آنها در زندگی روزمره افراد که در شهرها و روستاهای بلوچستان ایران با آداب و رسوم خاص برگزار می‌شود نیز یادگاری از تأثیرات بومیان شرق آفریقا (و زنگبار) بر مردمان بلوچستان است (Mirzai, 2007) و^{۲۰} طبیعتاً نمی‌توان از نقش بلوچ‌های ایرانی ساکن در زنگبار در انتقال این سنت‌ها به منطقه جنوب شرق ایران غفلت کرد.

وضعیت کنونی

بلوچ‌های مقیم زنگبار در زبان سواحیلیو در بین بومیان به بولوشی (جمع: مابولوشی) مشهورند که همان تلفظ بلوچی است (Jahani, 2000: 93) آن‌ها نیز همانند دیگر بلوچ‌های مقیم شرق آفریقا به طوایف مختلف براهوئی، شه‌نوازی، شیرانی و ریگی تعلق دارند (مشاهدات میدانی، زنگبار، اسفند ۱۳۹۳). با این حال اکثر بلوچ‌های زنگبار (و مومباسا) از اعضای قبایل نوشروانی^{۲۱} و ریدز هستند (Miles, 1966: 94). این درحالی است که براساس سنت مرسوم در بین بلوچ‌های

ساکن شرق زنگبار، آن‌ها به دو گروه اصلی «عمانی»^{۲۲} و «نانگاران»^{۲۳} تقسیم می‌شوند که بیشتر به پیشینه تاریخی حضور بلوچ‌ها در این سرزمین بازمی‌گردد.

در حال حاضر تعداد اندکی از بلوچ‌های ایرانی تبار در جزیره زنگبار زندگی می‌کنند و بسیاری از آنها پس از قیام سیاهان علیه سلاطین عمانی زنگبار در سال ۱۹۶۴ میلادی موسوم به «انقلاب سیاهان» با رهاکردن اموال و مایملک خود مجبور به ترک این جزیره شدند و هر چند بعدها و پس از اتحاد زنگبار با تانگانیکا و تثبیت اوضاع سیاسی مجمع‌الجزایر اندکی از بلوچ‌های ایرانی تبار به این سرزمین بازگشتند؛ ولی جمعیت آنها هیچ‌گاه به دوره حاکمیت عمانی‌ها بر زنگبار بازنگشت. آن‌ها هم‌اکنون دارای مسجدی قدیمی و زیبار شهر سنگی بوده و اغلب به تجارت و بازرگانی اشتغال دارند (Iranian Baloch in east Africa, 2013) که بیشتر دربرگیرنده مالکیت برخی مراکز تجاری در جزیره اصلی مجمع‌الجزایر زنگبار (جزیره اونگوچا)، فعالیت در بخش گردشگری و مدیریت غرفه‌هایی در بازار و شهر سنگی زنگبار است.

نتیجه

مهاجرت اقوام بلوچ به شرق آفریقا که در سده‌های هفدهم تا بیست و یکم میلادی در چند مقطع تاریخی و به صورت پراکنده و نامنسجم صورت گرفت، نتایج درخشانی به دنبال داشت و به گونه‌ای غیرمستقیم برخی از شاخصه‌های فرهنگی و آداب و رسوم ایران را به بومیان این سرزمین عرضه داشت. بلوچ‌های ایرانی تبار طی قرون هفده تا نوزدهم میلادی و به طور خاص از اواسط دهه ۱۶۶۰ تا پایان دهه ۱۸۸۰ میلادی در ابتدا به عنوان جنگاورانی در خدمت سلاطین عمانی حاکم بر مجمع‌الجزایر زنگبار و سپس با انگیزه‌های تجاری برای ورود به عرصه بازرگانی، رهسپار شرق آفریقا شدند و به تدریج و با جلب حمایت مردمان این سرزمین جایگاه خود را همچون بخشی از اقوام بومی در زنگبار و مناطق ساحلی شرق آفریقا تثبیت کردند.

مجمع‌الجزایر زنگبار در دوره رونق پادشاهی عمان در شرق آفریقا، مهم‌ترین مرکز تجمع بلوچ‌هایی بود که ده‌ها سال قبل از ایران روانه عمان و از آنجا عازم مجمع‌الجزایر زنگبار شده بودند و به تدریج خود را به عنصری هویت‌ساز در زنگبار جلوه‌گر ساختند. بلوچ‌ها تا زمان ورود انگلیسی‌ها به این منطقه و تبدیل پادشاهان عمانی به سلاطینی تشریفاتی و فاقد قدرت، صرفاً جنگاورانی محسوب می‌شدند که مسئولیت اصلی آنان حفاظت از پادشاهان عمانی بود و علاوه بر آن حراست از کاروان‌های تجاری را که رهسپار مناطق داخلی تانگانیکا و حتی نقاط دوردستی

همچون کنگوی دمکراتیک (زئیر سابق) می‌شدند نیز برعهده داشتند. با این حال پس از ورود انگلستان به عرصه‌معادلات سیاسی شرق آفریقا و بی‌توجهی به قدرت چنگاوری بلوچ‌ها (درمقابل تکیه بر سربازان هندی به‌عنوان جنگاوران حافظ منافع خود) آنان به‌تدریج به مشاغل غیرنظامی همچون کشاورزی و به‌ویژه تجارت روی آوردند. این درحالی بود که رفتار صمیمانه و به‌دور از تبعیض نژادی بلوچ‌ها با بومیان مسلمان زنگبار و ایجاد روابط دوستانه با سیاه‌پوستان از مهم‌ترین عواملی بود که موجبات استحکام موقعیت اجتماعی بلوچ‌ها را در زنگبار فراهم آورد.

بسیاری از بلوچ‌های ایرانی تبار در قرن بیستم از زنگبار به سرزمین اصلی (تانگانیکا)، کنیا، اوگاندا و زئیر مهاجرت کردند و مشاغل تجاری مختلفی را برگزیدند و زنگبار نقش محوری و محل تمرکز و تجمع بلوچ‌ها را به مومباسا (کنیا)، ایرینگا و امبیا (تانزانیا) و سوروتی (Soroti) و آروا (Arua) در اوگاندا واگذار کرد؛ به‌گونه‌ای که دیگر گروه‌هایی که بعدها از ایران به شرق آفریقا مهاجرت کردند نیز این مناطق را برای اقامت خود برگزیدند و زنگبار هیچ‌گاه نتوانست جایگاه قدیمی خود را به‌عنوان مرکز تجمع بلوچ‌ها به‌دست آورد.

امروزه تعداد بسیار اندکی از بلوچ‌ها در جزایر اصلی زنگبار (اونگوجا و پمبا) زندگی می‌کنند و همان‌گونه که اشاره شد بیشتر به تجارت‌های خرده‌ای همچون خریدوفروش پارچه و ادویه، به‌همراه کشاورزی و فعالیت در بخش گردشگری، اشتغال دارند.^{۳۴} آنان همچون دیگر بلوچ‌های ایرانی مقیم شرق آفریقا همچنان پیوندهای خود را با سرزمین مادری حفظ نموده و علاوه‌بر سفرهای سالیانه به ایران، با هدف زنده نگاه‌داشتن فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی بلوچی خود، از زبان فارسی نیز در کنار زبان بلوچی و به‌عنوان بخشی از هویت ملی خود غافل نمانده‌اند. بدین‌سان آنان علی‌رغم اقامت طولانی در زنگبار تلاش کرده‌اند کماکان تسلط به زبان فارسی را حفظ و آن را به فرزندان خود نیز انتقال دهند.

اقلیت کوچک بلوچ مقیم زنگبار امروزه یکی از منزله‌ترین جوامع غیربومی این جزیره در نظر گرفته شده و سالخوردگان این جماعت کوچک، سالم و منزله نگاه‌داشتن جامعه، رعایت حریم‌ها و ارزش‌های اخلاقی در بین اعضای جماعت و توسعه ارتباطات برون‌گروهی بلوچ‌ها را رمز تداوم و پایداری این اقلیت می‌دانند.

یادداشت‌ها:

^۱ - دکتر زرین کوب معتقد است علی‌رغم آن‌که هویت ایرانی هویتی چندپایه و بر عواملی همچون سرزمین مشترک، تاریخ مشترک، ادبیات مشترک، دین مشترک، آداب و سنن مشترک، فرهنگ مشترک و زبان مشترک استوار بوده است، اقوام ایرانی همواره بر اشتراکات خود با دیگر ایرانیان تأکید دارند (راعی گلوچه، ۱۳۸۲: ۳۱).

^۲ . مجمع‌الجزایر زنگبار با مساحت ۱۵۵۴ کیلومترمربع در شرق آفریقا در فاصله ۵۰ کیلومتری از ساحل کشور تانزانیا (سرزمین اصلی) واقع شده است. این مجمع‌الجزایر دربرگیرنده چند جزیره اصلی به نام اونگوجا، پمبا و تومباتو است که به همراه ده‌ها جزیره کوچک به موجودیت این سرزمین شکل بخشیده‌اند. جمعیت فعلی مجمع‌الجزایر زنگبار بر اساس سرشماری سال ۲۰۱۲، یک میلیون و سیصد و چهار هزار نفر است که در شهرها و روستاهای این منطقه زندگی می‌کنند.

(Zanzibarworldpopulationreview.com/countries/Tanzania population)

^۳ . بلوچ‌های ایرانی در حال حاضر جمعیتی در حدود ۳۰ هزار نفر در شرق (و جنوب شرق) آفریقا دربر گرفته‌اند و در کشورهای تانزانیا، کنیا و اوگاندا (و اقلیتی بسیار کوچک در کنگوی دمکراتیک) زندگی می‌کنند. تعداد انگشت‌شماری از بلوچ‌ها نیز در نامیبیا حضور دارند.

^۴ . در آخرین سال‌های قرن هفدهم سربازان ارتش پادشاهی عمان به دعوت قبایل عرب (بیشتر عمانی تبار) ساکن مناطق ساحلی شرق آفریقا و زنگبار، باهدف بیرون راندن اشغالگران پرتغالی از شرق آفریقا وارد این منطقه شدند و با یاری اعراب و بومیان مسلمان زنگبار و دیگر مناطق به جنگ با پرتغالی‌ها پرداختند. آنان در سال ۱۶۹۸ میلادی شکست سختی بر قوای پرتغال وارد آورده و از آن سال تا زمان استعمار این منطقه از سوی آلمان و انگلستان در اواخر قرن نوزدهم، بر زنگبار و مناطق ساحلی شرق آفریقا حاکمیت یافتند (Trimingham, 1964: 22-3).

^۵ - در نیمه اول قرن نوزدهم، محافظان خاصه سلاطین عمانی را ۳۰۰ بلوچ تشکیل می‌دادند که بدون توجه به تحولات سیاسی شبه‌جزیره عربستان صرفاً وظیفه حراست و نگهبانی از شاهزادگان عمانی را بر عهده داشتند و پس از توسعه پادشاهی عمان در منطقه شرق آفریقا بسیاری از آن‌ها به زنگبار انتقال یافتند (Nicolini, 2015: 5). در سرتاسر قرن نوزدهم

گروه‌های بلوچی کماکان مهم‌ترین و کارآزموده‌ترین بخش از ارتش عمان را در شرق آفریقا تشکیل می‌دادند.

^۶ در آن عهد بلوچ‌های زیادی در زنگبار به‌عنوان سرباز حضور داشتند (Cohen, 1995: 75).
^۷ در آن دوره محافظت از کاروان‌های تجاری حامل محموله‌های عاج فیل نیز برعهده گروه‌های محافظ بلوچ بود (Nicolini, 2015: 6).

^۸ بلوچ‌ها تا اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی در اداره پلیس زنگبار دارای موقعیت ممتازی بودند و رئیس پلیس زنگبار در سال ۱۹۵۴ فردی بلوچ به نام میرعبدوگاجیانبلوچ بود.
http://baloch_history11.blogspot.com/2014/chief_of_zanzibar_police_force_mir.html

^۹ در جریان انقلاب ۱۹۶۴ در زنگبار تعداد زیادی از اعراب و بومیان عمانی تبار قتل عام شدند (Potter, 2009: 184).

^{۱۰} به موازات آن ارتباطات دیرینه مردمان این سرزمین با عمان و کشف نفت در این سرزمین از عوامل مشوق بلوچ‌ها در سفر به این کشور و جذب در مشاغلی همچون کارگری، پلیس محلی و ماهی‌گیری در مناطق مختلف عمان شد. گروهی از آنها نیز به ارتش عمان پیوسته و بدین‌گونه به شرق آفریقا با مرکزیت زنگبار راه یافتند (South Asia Bulletin, 2007: 125).

^{۱۱} این دو کشور در سال ۱۹۶۴ متحد شدند و کشور تانزانیا را تشکیل دادند.
^{۱۲} بلوچ‌های ایرانی ساکن عمان که به همراه دیگر ایرانیان به عجم شهرت یافته‌اند (جعفریان، ۱۳۷۱: ۴۹). از حدود ۲۰۰ سال قبل از کشف نفت در کشور عمان، از بلوچستان به سرزمین‌های ساحلی این کشور مهاجرت کرده‌اند. آنان در حال حاضر در حدود ۲۲ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل داده و عمدتاً به تجارت، کشاورزی و امور خدماتی اشتغال دارند. ایرانیان بلوچ ساکن عمان ضمن حفظ اصالت قومی و زبانی خود، نقش بسزایی در اقتصاد و سیاست عمان ایفا کرده‌اند و به‌دلیل اعتماد سلطان و دیگر دولتمردان عالی‌رتبه پادشاهی عمان به توانمندی‌های آنان، بسیاری از پست‌های حکومتی به سیاستمداران سرشناس بلوچ ایرانی تبار واگذار شده است. عجم‌ها در حال حاضر بیشتر در مسقط، پایتخت کشور، مطرح و حومه آن، باطنه، مسندم و در شهر ساحلی صور اقامت دارند (عرب، ۱۳۷۷: ۸۳).

^{۱۳} در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، هرج و مرج و اغتشاش بخش‌هایی از استان سیستان و بلوچستان، به‌ویژه منطقه بلوچستان را فراگرفت. عوامل مهم این آشوب مداخله قدرت‌های خارجی و ترانزیت محموله‌های قاچاق، به‌ویژه قاچاق مواد مخدر از این منطقه بود که در نخستین سال‌های پس از انقلاب به علت عدم کنترل مرزها فزونی یافت. دولت جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ تحمیلی رفع مشکلات بلوچستان را در دستور کار خود قرار داد و برخی اقدامات همچون کنترل مرزها، ساخت راه‌های آسفالت و مدرسه، احداث درمانگاه‌های روستایی، بخشودگی و اعطای تأمین به برخی سران طوایف که در پی پیروزی انقلاب از ایران به پاکستان مهاجرت کرده بودند، به برقراری آرامش و امنیت نسبی در استان سیستان و بلوچستان کمک فراوانی کرد.

^{۱۴} این بلوچ‌ها بیشتر از شهرهای نیک شهروکاسرکند، سرباز، لور، دابکار و چاپهار عازم زنگبار و دیگر مناطق شرق آفریقا شدند.

^{۱۵} برخی از اسامی بلوچ‌های ایرانی تبار که در شرق آفریقا زاده شده‌اند عبارت است از: مراد عبدالکریم، شبیر بادینی بلوچ، عبدالقادر محمد، درمحمد خداداد، سولماز باشند، غلام حیدر و خیرمحمد.

^{۱۶} شهر سنگی زنگبار (Stone Town Old Town) یکی از دو بخش اصلی شهر زنگبار (اونگوجا امجینی) است که در دوره حاکمیت سلاطین عمانی احداث شد. شهر سنگی در سال ۲۰۰۰ میلادی از سوی سازمان یونسکو در فهرست میراث فرهنگی جهانی جای گرفت و با ساختمان‌های کوچک و بزرگ چند اشکوبه تمام سنگی، کوچه‌های سنگ‌فرش باریک و پیچ‌درپیچ نمونه بارزی از سبک معماری عربی زنگبار است.

^{۱۷} زبان سواحیلی که بلوچ‌های ایرانی زنگبار بدان تکلم می‌کنند، دربرگیرنده واژه‌های بلوچی درخور توجهی است که از سوی آنان به این زبان راه یافته است (Bint Battuta:2010).

[۲۰۱۶]

^{۱۸} در دوره حاکمیت سلاطین عمانی بر زنگبار و جزایر اطراف آن و مناطق ساحلی تانگانیکا، سلاطین زنگبار زبان فارسی را نیز می‌آموختند؛ زیرا زبان فارسی زبان سپاهیان و نگهبانان خاص سلاطین بود و اغلب سپاهیان که مورد اعتماد کامل سلاطین بودند، ایرانی و از نژاد بلوچ‌ها به‌شمار می‌رفتند. این سپاهیان فقط به زبان فارسی سخن می‌گفتند؛ لذا سلاطین برای ارتباط با آنان مجبور به یادگیری فارسی بودند (عبدالعزیز الفهمی، ۱۳۵۶: ۱۰۴).

19. سنت «زار» با جشن «دورکردن شیاطین» در جزیره زنگبار بسیار شباهت دارد.

20. گواتی که معنای تحت‌اللفظی آن «بادی» است به افسردگی و ملالی اطلاق می‌شود که (برخی از بومیان بلوچ) معتقدند با برهم زدن توازن تن و روان فرد به وجود می‌آورند و نام دیگر آن «جن‌زدگی» است. کاربرد گواتی به منزله اصطلاحی در موسیقی (بلوچی) برخاسته از این باور است که تنها موسیقی می‌تواند ارواح ناپاک را از تن بیمار بیرون راند و تنها جذبه می‌تواند سلامت را بدان بازگرداند. از جمله رسوم گواتی که هرگز ترک نمی‌شود، نوعی رقص یا جنبش است که به حرکات درویشان شباهت دارد (دانشنامه جهان اسلام، مدخل بلوچ و بلوچستان).

21. نوشیروانی‌ها دراصل به بلوچستان شرقی (پاکستان) تعلق داشته و چند قرن قبل به ایران مهاجرت و در حوالی کوهک مستقر شده‌اند.

22. از این رو نام عمانی بر آنها نهاده شده که از بلوچستان ایران رهسپار عمان شده و از آنجا به زنگبار گسیل گشته‌اند.

23. نانگاران در زبان بلوچی به معنای بهره‌گیری از خیش و شخم زمین برای کشاورزی است و عمدتاً به بلوچ‌هایی اطلاق می‌شود که از دیرباز در این سرزمین به کشاورزی اشتغال داشته و دارند.

24. تعدادی از بلوچ‌ها دارای مغازه‌های کوچکی در بازار سنتی شهر سنگی زنگبارند و از طریق عرضه کالاها و منسوجات مختلف درآمد شایان توجهی به دست می‌آورند.

منابع

- جعفریان، رسول (۱۳۷۱)، *جغرافیای تاریخی و انسانی شیعه در جهان اسلام*، قم: انصاریان.
- راعی گلوجه، سجاد (۱۳۸۲) "هویت ملی و ایرانی‌گری در تاریخ نگاری زرین کوب" فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره ۱.
- زکریا قاسم، جمال (۱۹۷۴)، *دوله البوسعید فی عمان و شرق افریقا*: منذ تاسیسها و حتی نهایت حکمها فی زنجبار و بدایه عهدها الجدید فی عمان، مسقط: مرکز زاید للتراث و التاريخ.
- سیاهی، عبدالودود (۱۳۸۵)، *بلوچستان در عصر قاجار (بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی بلوچستان از ابتدای سلطنت قاجار تا نهضت مشروطه)*، قم: گلستان معرفت.
- عبدالعزیز فهمی، عبدالسلام (۱۳۵۶)، *ایرانی‌ها در شرق آفریقا، تهران: بنیاد فرهنگ ایران*.
- عرب‌احمدی، امیربهرام (۱۳۸۴)، *تانزانیا سرزمین همیشه سبز، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی*.

عرب احمدی، امیربهرام (۱۳۹۱) "بلوچ‌های ایرانی در شرق آفریقا" پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال اول، شماره اول، ۱۳۹۱.

محمد عرب (۱۳۷۷)، آشنایی بامذهب اباضی، (پیوست‌ها: تاریخچه شیعیان عمان روابط ایران و عمان)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

واتسن، رابرت گرانت (۱۳۵۴)، تاریخ ایران، ترجمه ع. وحید مازندرانی، بی‌جا: سیمرغ.

دورینگ‌ژان (۱۳۸۹) "بادهای آفریقایی وجن‌های مسلمان" ترجمه ناتالی چوبینه، فصل‌نامه موسیقی ماهور، شماره ۱۸

گودرزی، حسین (۱۳۸۳) "هویت ملی در شعر پژمان بختیاری" فصلنامه مطالعات ملی، سال پنجم، شماره ۴

مطالعات میدانی:

عرب احمدی، امیر بهرام "مطالعات میدانی نویسنده، زنگبار"، اسفند ۱۳۹۴.

عرب احمدی، امیر بهرام، گفت‌وگو با پروفیسور عبدالشریف، رئیس موسسه مطالعات اقیانوس هند، زنگبار، ۱۳۸۷

عرب احمدی، امیر بهرام، گفت‌وگو با محمد مجیب، درباره بلوچ‌های ایرانی تبار مقیم تانزانیا، زنگبار، ۱۳۸۷

منابع انگلیسی:

Abdul Salam Abdul Aziz Al Fahmi, *Iranians in East Africa* (Tehran: Cultural foundation of Iran publications, 1978)

Bearman, P.J. Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel and W.P. Heinrichs, *Encyclopedia of Islam Vol. 10*, (Leiden, 2000)

Colin Clarke, Ceri Peach, Steven Vertovec, 1990. *South Asians Overseas: Migration and Ethnicity*, Cambridge: Cambridge University Press.

Collins, Douglas (1995) *Tales from Africa* (East African Publishers, 1995)

Csató, Eva Agnes (2005) Bo Isaksson, Carina Jahani, *Linguistic convergence and areal diffusion: case studies from Iranian, Semitic and Turkic*, (Routledge, 2005)

Dolbey, Robert Valentine (2004) *Sketches of the East Africa Campaign* (Kissinger Publishing, 2004)

Gregory, Robert G. (1971) *India and East Africa: a History of Race Relations within the British Empire 1890-1939* (London, Clarendon Press, 1971)

Islamic world Encyclopedia foundation, vol. 4, 2015)

Jahani, Carina (2000) *Language in Society: Eight Sociolinguistic Essays on Baloch* Uppsala University.

Lodhi, Abdul Aziz Yusuf (2000) *Oriental Influences in Swahili* (Goteborg, University of Goteborg.

Miles, S.B. (1966) *Countries and Tribes of the Persian Gulf* (London, Frank Cass and co. LTD, 1966.

Salvadori, Cynthia (1998) *Through Open Doors, Nairobi: Nairobi Publications.*

Trimingham, Spencer (1964) *Islam in East Africa, Oxford: Oxford University Press.*

Valeri, Mark (2009) *Oman: Politics and Society in the Qaboos State* (Hurst Publishers.

نشریات و پایگاه‌های اینترنتی:

“Baloch communities in east Africa”, available (2013), online at: [Www.Balouches in east Africa. Com](http://www.Balouches in east Africa. Com).

Lahsae zadeh Abdul Ali (2001) *Migration from Shiraz to East Africa: A Socio Historical Analysis, (paper presented at the Historical Role of Iranians (shirazids) in the East African Coast conference, 5-7 2001, Nairobi)*

Baloch people “accessed Feb. 15, 2016, <http://everything.explained.today.com>

Baluchi, Facts, information, pictures” accessed Feb. 13, 2016, <http://www.encyclopedia.com>

Baluchis community throughout of the world, accessed Feb 17, 2016, “<http://www.estoun.blogfa.com>

BALUCHISTAN. Geography, History and Ethnography” *Encyclopedia Iranica*, accessed march 1, 2016, <http://www.iranicaonline.org/articles/baluchistan>

Nicolini, Beatrice (2012) *Notes on the Baloch presence along the Swahili coast during the nineteenth century, paper presented at Ghent University 21-23 June, Ghent, Belgium, 21-23 June.*

- Nicolini, Beatrice (2015) "Ibāḥi Press in Zanzibar (al-Sultaniyya): The (Re)-Invention of Tradition between 'Oman and Eastern Africa.'" (Paper presented at the Sixth Conference on IBĀḤISM and Oman Institute of Oriental Manuscripts, Russian Academy of Sciences, 1-3 2015, St. Petersburg)
- Nicolini, Beatrice (2006) *The Makran-Baluch-African Network in Zanzibar and East Africa during the XIX century: African & Asian Studies vol. 5*, Leiden: Brill Academic Publishers.
- Nicolini Watson, Beatrice (2004) *Penelope-Jane, Makran, Oman, and Zanzibar: Three Terminal Cultural Corridor in the Western Indian Ocean, 1799-1856*, Leiden: Brill Academic Publishers.
- Bint Battuta (2016) "The East African Baloch Chapatti Mystery, accessed January 30, 2016, Homistan: [http://www.chapatimystery.com/archives/homistan/theeast African baloch.html](http://www.chapatimystery.com/archives/homistan/theeast%20African%20baloch.html), from Beatrice Nicolini, *The Tupak of the Jemadar: Notes on the Baluch presence along the Swahili Coast during the 19th century*.
- Chief of Zanzibar police force Mir, accessed Feb. 19, 2016, online at: <http://balochhistory11.blogspot.com/2014>
- Hedlius, Legatos (2016) "Return to Darkest Africa" accessed Feb. 17, 2016, online at: <http://returntodarkestafrica.blogspot.com>
- Noor Mohammad (2011) "The culture of East African Baluchis" accessed Feb. 29, 2016, online at: <https://balochlinguist.wordpress.com/2011>
- South Asia Bulletin (2007) Volume 27, Issue 2:125, University of California: Los Angeles.
- "The Baloches in east Africa The historical background", available (1394/11/29) online at: www.Albajush.net.
- "Tanzania population "available (1394/12/20) online at: Zanzibarworldpopulationreview.com/countries